

بررسی مقاله «شراب» از دایره‌المعارف قرآن لیدن

سید محمد موسوی مقدم^{۱*}، غلامحسین اسفندیاری^۲، سید محسن قائمی خرق^۳

۱. استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران

۲. کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه قم

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه قم

(تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۹۳/۸/۱۸)

چکیده

در این نوشتار، مقاله انگلیسی «شراب» (wine) نوشته کاترین کوانی^۱ از دایره‌المعارف قرآن لیدن (Encyclopedia Of the Quran)، جلد ۵، صفحات ۴۸۱-۴۸۳ ترجمه شده و سپس با استفاده از کتاب‌های فقهی، تفسیری و لغوی شیعه و سنی و برخی مواد قانونی حقوق موضوعه ایران، نقد و بررسی تطبیقی شده است. مؤلف مقاله در ابتدا، ماهیت و چیستی شراب و همچنین وضعیت مکانی پرورش شراب را بیان کرده و سپس به مفهوم‌شناسی واژه‌های خمر، سکر و رحیق پرداخته است. در ادامه، ماهیت و تفاوت شراب دنیوی و بهشتی را مطرح و در پایان، مبانی فقهی شرب خمر و مفهوم استعاری آن را ذکر می‌کند.

واژگان کلیدی

اثم، خمر، رحیق، فقه، قرآن، مسکر، نیبذ.

Email: sm.mmoqaddam@ut.qc.ir

* نویسنده مسئول

1. Kathryn Kueny

کاترین کوانی، استاد مطالعات مذهبی دانشگاه لورنس، استادیار دانشگاه فردهام و عضو انجمن آمریکایی مطالعات غربی است و دارای آثاری نظیر «مذاهب محدودکننده: مفاهیم، اختلافات و اقوال» (Bordering Religions: Concepts, Conflicts, and Conversations)، و «تبیینی واضح از: شراب در اوائل اسلام» (The Rhetoric of Sobriety: Wine in Early Islam) است که کتاب اخیر توسط انتشارات دانشگاه شیکاگو منتشر شده است. سؤال اصلی او در کتاب اخیر این بوده که آیا اسلام، شراب و سایر نوشیدنی‌های الکلی را تحریم کرده است؟ و در طول کتاب در صدد آن برآمده است که این مسئله را در قرآن، سنت، حقوق، تاریخ و مبانی تفسیری شیعه و سنی تبیین و بررسی کند. او متعاقب این بررسی، دیدگاه‌های اهل تسنن و تشیع را با دیدگاه‌های یهودیت و مسیحیت راجع به ممنوعیت شراب مقایسه می‌کند و با توجه به رویکرد مختار خود، در صدد تبیین ماهیت شراب بر می‌آید.

مقدمه

دین مبین اسلام، به‌عنوان کامل‌ترین دین الهی در تمام جنبه‌های مادی و معنوی انسان نظر دارد؛ چنانکه با وجود عادت عمومی شراب‌خواری در شبه‌جزیره عربستان، شراب را طی یک مبارزه قطعی و اصولی زمان‌دار منع کرد و حتی تصریح قرآن بر لزوم اجتناب از شراب‌خواری سبب شده است که حرمت آن نزد مسلمانان از احکام ضروری دین تلقی شود و کسی که آن را حلال بداند، کافر به‌شمار آید. اما نسبت به زمان و مراحل این تحریم و نیز مصداق‌های شراب، میان مفسران (چنانکه در میان فقیهان) اختلاف است. به‌همین دلیل باید علاوه بر واکاوی اندیشه قرآن در زمینه تساهل تدریجی نسبت به مصرف شراب، به نظرگاه قرآن در باب ریحی و سکر و نیز تفاوت‌های شراب دنیوی و اخروی پرداخت. پس در این پژوهش به تبیین و بررسی دیدگاه مؤلف مقاله «شراب» از دایرة‌المعارف قرآن لیدن می‌پردازیم.

۱. ترجمه مقاله

۱.۱. ماهیت و چیستی شراب

«شراب» عبارت است از نوشیدنی مسکری که از انگور جوشیده‌شده یا [هرگونه] مواد دیگری، ساخته شده است [۱]. در حالی که اعراب شبه‌جزیره عربستان، معمولاً نبیذ- یعنی نوشیدنی^۱ جوشیده‌شده‌ای که از [موادی] همچون: جو، عسل، اسپلت [گندم] یا اقسام خرما به‌دست آمده است- می‌نوشند [۲]، اما متداول‌ترین اصطلاح قرآنی شراب که اصطلاح مرسوم در شعر عربی جاهلی بوده، خمر است [۳].

۲.۱. [وضعیت مکانی پرورش شراب]

درحالی که آب و هوا و شرایط جغرافیایی اکثر [مناطق] عربستان، برای پرورش و تولید شراب، نامناسب است؛ قسمت‌هایی از یمن و مناطقی از قبیل مدینه و طائف، شرایط لازم و ضروری برای کشت انگور را داشته‌اند [۴]. همچنین، شراب از سوریه و عراق، به‌ویژه از طریق کارگزاران جوامع مسیحی و یهودی مستقر در عربستان، وارد شده است.

۳.۱. واژه خمر

۱.۳.۱. خمر در لغت: ممکن است خمر در زبان عربی از واژه خمرأ در [زبان] سریانی - آرامی مشتق شده باشد [۵].

۲.۳.۱. خمر در قرآن: واژه قرآنی خمر علاوه بر شراب زمینی، بر شراب بهشتی نیز دلالت دارد (نک: مدخل غذا و نوشیدنی^۱؛ بهشت^۲).

قرآن کریم برخلاف مفسران متأخر مسلمان (نک: مدخل تفسیر قرآن: دوره کلاسیک و ادوار میانه^۳) که به‌منظور طرفداری از تحریم مضیق شراب، حکم صریح تحریم را به دسته محدودی از موارد شراب اختصاص داده‌اند و از آن طرفداری کرده‌اند، نسبت به مشروب و اثرات آن، عمدتاً معیاری بسیار مشتت، دوگانه و همراه با تردید بیان کرده است (نک: مدخل مسکرات^۴؛ قانون و قرآن^۵).

خمر [از این جنبه که] به‌عنوان منشأ گناه و در عین حال، منشأ منفعت شناخته شده است، به قمار ملحق می‌شود (بقره: ۲۱۹؛ نک: مدخل گناه: کبیره و صغیره^۶) [۶] [۷]. [و از سوی دیگر، خمر] همانند قمار، بت‌پرستی (نک: مدخل بت و تمثال^۷؛ شرک و الحاد^۸) و

1. Food and Drink.
2. Paradise.
3. Exegesis of the Quran: Classical and Medieval.
4. Intoxicants.
5. Law and the Quran.
6. Sin, Major and Minor.
7. Idols and Images.
8. Polytheism and Atheism.

تیرهای تفأل [شانس و غیب‌گویی] (نک: مدخل ازلام^۱)، به‌عنوان پلیدی و زشتی قلمداد می‌شود (مائده: ۹۰-۹۱) [۸].

رؤیاهای یوسف عليه السلام (نک: مدخل رؤیاهای و خواب^۲) در زندان، برجستگی خاصی به خمر می‌دهد (یوسف: ۳۶ و ۴۱) [۹] و اهل جنت از نهرهای شراب محظوظ می‌شوند (محمد: ۱۵؛ نک: مک اولیف، مدخل مشروبات^۳).

۴.۱. واژه سگر در قرآن [۱۰]

مضاف بر خمر، واژه سگر، نه تنها در شراب مضر دنیوی (قس: نساء: ۴۳) - که نمازگزار (نک: مدخل نماز^۴) را به تدریج سست می‌کند - ظهور دارد؛ بلکه به‌مثابه رزق حسن (نحل: ۶۶-۶۹؛ نک: مدخل رزق و روزی دادن^۵) - که نشانه‌ای (نک: مدخل نشانه‌ها^۶) است برای کسانی که تعقل می‌کنند (نک: مدخل عقل^۷؛ دانش و یادگیری^۸) - نیز به‌کار رفته است [۱۱].

۵.۱. واژه رحیق در قرآن

واژه رحیق نیز [هم به‌عنوان] ناب‌ترین و عالی‌ترین شراب‌های آسمانی (مطففین: ۲۵) و [هم به‌عنوان] جام آسمانی (نک: مدخل جام‌ها و ظروف^۹) مملو از شراب زلال (معین) - که از همه لحاظ مشابه شراب دنیوی است با این تفاوت که شراب دنیوی سکرآور است - مورد اشاره قرار گرفته است (صافات: ۴۵؛ واقعه: ۱۸-۱۹) [۱۲] [۱۳].

-
1. Divination.
 2. Dreams and Sleep.
 3. McAuliffe, Wines.
 4. Prayer.
 5. Gift and Gift-giving.
 6. Signs.
 7. Intellect.
 8. Knowledge and Learning.
 9. Cups and Vessels.

۶.۱. ماهیت و تفاوت شراب دنیوی و بهشتی

در سراسر سوره‌های کوتاه قرآن [نک: همان مدخل]، یک [نوع] آشفتگی [یعنی] دیوانگی ناشی از مستی - که از نشانه‌های روز قیامت (نک: مدخل روز رستاخیز^۱) است - با [نوعی] آسودگی خاطر [یعنی] بوستانی مملو از آرامش [فردوس] (نک: مدخل باغ‌ها^۲) - همان جایی که صالحان هر میزان از شراب را بدون اینکه سکرآور باشد می‌نوشند - به‌شدت در تضاد است.

همچنین ممکن است تضاد بین شراب مادی [دنیوی] و شراب معنوی [اخروی] ناشی از توصیف آگاهانه قرآن از نوح عليه السلام (نک: مدخل نوح^۳) و لوط عليه السلام (نک: مدخل لوط^۴) باشد؛ انسان‌هایی که با لذات مشروبات الکلی (نک: همین مدخل^۵) در جامعه یهودی و مسیحی (نک: مدخل یهودیان و یهودیت^۶؛ مسیحیان و مسیحیت^۷) خویش آشنایی کامل داشتند [اما از آنجا که] در وحی اسلامی (نک: مدخل وحی و الهام^۸)؛ کتاب مقدس و قرآن^۹، آنان نماد و جلوه‌های پرهیزگاری هستند، اعمال آنها باید با کلیت پیامی که حامل آن هستند، همخوانی داشته باشد [۱۴].

حتی بندگان خداوند (نک: مدخل بنده^{۱۰}؛ پرستش^{۱۱}) ممکن است [نسبت به] فریب‌های شراب زمینی استغفار و توبه کنند.

1. Last Judgment.
2. Gardens.
3. Noah.
4. Lot.
5. Abstinence.
6. Jews and Judaism.
7. Christians and Christianity.
8. Revelation and Inspiration.
9. Scripture and the Quran.
10. Servant.
11. Worship.

رفتار دوگانه قرآن کریم در مورد شراب، توسط مفسران متقدم - که قائل بودند شأن نزول [آیات راجع به شراب]، نشانگر این است که خداوند حکم هر نوع شراب را معلوم کرده است - رفع شده است (شأن نزولها^۱). آنها با بررسی مداوم چنین احکامی، متوجه کاهش تدریجی تساهل [قرآن کریم]، نسبت به مصرف شراب شده‌اند (نک: مدخل نسخ^۲ [۱۵]؛ ممنوع^۳؛ حلال و حرام^۴) [۱۶]. طبری (م. ۳۱۰ ق/ ۹۲۳ م) نوشته است که خداوند - خداوند - تا هنگامی که [حکم] ممنوعیت نوشیدن شراب بر انسان مقرر شود - به انسان اجازه داده تا از موهبت او لذت ببرد (تفسیر طبری، ج ۵: ۵۸). خداوند پس از [وقوع] سلسله جنایاتی نظیر تکه تکه کردن شتر حضرت علی ع توسط [حمزه] عموی پیامبر ص در حالت مستی، در نهایت، شراب را تحریم کرد [۱۷].

۷.۱. [مبانی فقهی شرب خمر]

در حالی که هم مکتب فقهی اهل تسنن و هم مکتب فقهی تشیع، بر تحریم شراب اتفاق نظر دارند (موضوعی که وضعیت پیش از اسلام، وضعیت لاقیدی را مورد نقد قرار داده است؛ نک: مدخل عصر جاهلیت^۵؛ عربستان پیش از اسلام و قرآن^۶)، اما در بررسی‌های فقهی پیرامون این نوشیدنی، اختلاف نظرهایی - درباره ترکیبات شراب و اینکه موضوع تحریم شراب، نفس ماده شراب است یا صرفاً تأثیرات آن - وجود دارد. به عنوان مثال، حنفی‌ها بیان می‌دارند: از آنجایی که قرآن کریم تنها خمر را محکوم می‌کند، [حکم] تحریم خمر نباید به سایر مشروبات الکلی تسری یابد. در مقابل این نظر، دیدگاه غالب [فرق] بدون امعان نظر به ترکیب مشروب، بر قابلیت و ظرفیت «اسکار» آن تأکید دارد و [لذا] از

1. Occasions of Revelation.
2. Abrogation.
3. Forbidden.
4. Lawful and Unlawful.
5. Age of Ignorance.
6. Pre-Islamic Arabia and the Quran.

نوشیدن هر میزان از مایعی که سبب مستی فرد شود (یا قابلیت اسکار وی را داشته باشد)، منع می‌کند [۱۸] [۱۹] [۲۰].

فقه، مجازات استعمال صرف مشروبات الکلی را به تولید و فروش آن نیز تسری داده است (نک: مدخل احکام و حدود^۱؛ عقوبت و مجازات^۲) [۲۱].

شراب با وجود تحریم، به استعاره‌ای مطلوب نزد عرفا (نک: مدخل تصوف و قرآن^۳) - که دوگانگی قرآن نسبت به ماده قوی [شراب] را در مورد مرزهایی که هوشیاری را از مستی، حلال را از حرام، انسان را از خدا و نهایتاً واقعی را از ایده‌آل جدا می‌کند- تبدیل شده است [۲۲].

۲. ارزیابی دیدگاه‌های مؤلف

۱. در لغت به هر نوع نوشیدنی به هر صورتی که باشد، شراب می‌گویند؛ لیکن در اصطلاح فقهی هرآنچه را که مست‌کننده باشد، شراب می‌نامند (نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۴۸؛ سعدی، ۱۴۰۸: ۱۹۲).

۲. ماهیت و مصادیق خمر (مسکرات) در متن مقاله و همچنین در بسیاری از کتاب‌های فقهی و تفسیری شیعه و سنی، دارای خلط و ابهام است. برخی معتقدند که خمر، اسمی است برای هر نوع مسکری از هرچه که ساخته شده باشد (نک: طباطبایی، بی‌تا، ج ۲: ۱۹۱؛ مجلسی، بی‌تا، ج ۲: ۱۹۰؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۴۷۵؛ حلی، ۱۴۱۰، ج ۳: ۴۷۴؛ طبرسی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۴۲۴) و یکی از مستنداتشان روایت نبوی ﷺ است که فرموده‌اند: «کل مسکر حرام و کل مسکر خمر» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۰۸). عده دیگری معتقدند که خمر اسمی است برای ماهیتی که از عصیر عنب (انگور) باشد (نک: ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۲۵۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۵۷؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸: ۶۰). راغب اصفهانی نیز بیان می‌کند: خمر

1. Boundaries and Precepts.
2. Chastisement and Punishment.
3. Sufism and the Quran.

در نزد برخی نام هر مست‌کننده و در نزد برخی نام شرابی است که از انگور و خرما گرفته شده باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۹۹). در فقه تشیع، مشهور فقها دیدگاه نخست را پذیرفته‌اند و حدود و ثغور اقسام خمر (مسکرات) به این نحو بیان می‌شود:

الف) عصیر العنبی: شرابی که از انگور گرفته شده باشد.

ب) نبیذ: خمر و مسکری که دارای انواع متعددی از جمله تمر (شراب خرما)، فضیخ (شراب بسر یعنی خرما نرسیده)، بتع (شراب عسل)، مرز یا فقاع (شراب جو)، جعه (شراب جو یا حنطه یعنی گندم)، نقیع (شراب زیب یعنی کشمش یا غوره) است. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که در فقه امامیه موادی مثل حشیش که مایع نیستند نیز، از مصادیق نبیذ به حساب آمده است (نک: شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۳: ۲۰۷).

۳. عبارت "the most common word" به معنای «متداول‌ترین اصطلاح» در متن اصلی به درستی به کار رفته است و وجه تسمیه شراب به خمر از آن جنبه است که عقل را می‌پوشاند (اسلامی‌پناه، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۴۵؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۰۳).

۴. بنا بر قول «طریحی»، در زمان تحریم خمر، در مدینه اصلاً شراب انگور وجود نداشته است و شراب مورد استفاده اهل مدینه از خرما تر و خشک بوده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۹۲).

۵. خمر، دارای معنای عامی است و «در لغت به معنای می و شراب می‌باشد» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۲۵۶؛ حکمت، ۱۳۷۸: ۲۰۵).

۶. نویسنده مقاله، واژه «اتم» در آیه ۲۱۹ سوره بقره را تنها به sin (گناه) ترجمه کرده است؛ در حالی که واژه «اتم» در آیه مذکور نزد مفسران دارای معانی متعددی است که عبارتند از:

الف) ضرر (نک: طباطبایی، بی تا، ج ۲: ۱۹۵؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۱۸۴؛ ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۲، ج ۵: ۱۷۶).

ب) گناه (نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۵۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۶۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۵۰۸).

ج) فساد یا عقاب اخروی دائم (نک: شبّر، ۱۴۱۲: ۷۱؛ قرطبی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۵۱).
د) خصومتی که ممکن است بر شرب خمر مترتب شود (نک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۱۸۳؛ نسفی، بی تا، ج ۱: ۱۵۴؛ قرطبی، همان، محلّی؛ سیوطی، بی تا، ج ۱: ۳۷).
اگرچه هر یک از مفسران از زاویة خاصی نسبت به معنای این واژه اظهارنظر کرده‌اند؛ لیکن به نظر می‌رسد که واژه اثم، جامع تمامی معانی بالا باشد.
۷. مفهوم آیه ۲۱۹ سوره بقره که می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْغَفْوُ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ»^۱، دربردارنده چندین پیام است:

پیام اول: احکام اسلام بر اساس مصالح و مفاسد وضع می‌شود (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۰۲) و بنای عقلای عالم بر این موضوع صحه می‌گذارد.

پیام دوم: اینکه قرآن کریم در کنار «اثم کبیر» به «منافع قلیل» اشاره می‌کند؛ از یک سو نشان‌دهنده صداقت علمی قرآن بر مبنای «تبیان کُلِّ شَیْءٍ» است و از سوی دیگر به علت رواج شراب و قمار در عصر جاهلیت. در صورت عدم اشاره به این منافع قلیل، شاید برخی از کوتاه‌فکران تصور می‌کردند مسئله به صورت یک‌جانبه بررسی شده است (نک: مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۲۹). در اینجا لازم است به صورت مختصر به فواید و مضرات خمر اشاره کنیم:

فواید خمر

الف) منافع مالی: برخی مفسران معتقدند که منظور از منافع، سود عاید از تهیه، کشت و فروش شراب است؛ نه سودهایی که ممکن است از استعمال آن به دست آید (قرائتی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴۳۸).

۱. درباره شراب و قمار، از تو می‌پرسند، بگو: «در آن دو، گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است و [لی] گناهشان از سودشان بزرگ تر است» و از تو می‌پرسند: «چه چیزی انفاق کنند؟» بگو: «مازاد [بر نیازمندی خود] را» این گونه، خداوند آیات [خود را] برای شما روشن می‌گرداند، باشد که در [کار] دنیا و آخرت بیندیشید (ترجمه قرآن - فولادوند).

ب) **منافع نفسانی:** عده‌ای می‌گویند که مصرف شراب، شادی و شجاعت را افزون، خلق را نیکو و بخل را نابود می‌کند (نک: نظام‌الدین، بی‌تا، ج ۱: ۶۰۵؛ مراغی، ۲۰۰۶، ج ۱: ۴۰۵؛ عبدالحق، ۱۴۳۳: ۱۴۴).

ج) **منافع جسمانی:** برخی دیگر برآنند که مصرف خمر، فواید جسمانی و پزشکی متعددی همچون هضم بهتر غذا، زیبایی چهره، شفای برخی امراض و ... به‌همراه دارد (نک: کیانی، ۱۳۸۲: ۱۲۰؛ طه‌وری، ۱۳۸۹: ۲۷).

بررسی اقوال: امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «خداوند در امر حرامی شفا قرار نداده است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۱۴). برخی این حدیث را اختصاص به حرام بالذات کرده‌اند و گفته‌اند: شراب حرام بالذات و حرام محض نیست تا ذیل حرمت فوق قرار گیرد؛ بلکه به جهتی از جهات نظیر تضييع مال و دوری از نماز، به‌عنوان اثم عارضی شمرده شده است (ملاجیون الحنفی، ۲۰۱۰: ۱۰۳)؛ اما این سخن به‌دلیل اطلاق روایت پذیرفته نیست. علاوه بر این در جای دیگری امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که می‌خواست از شراب کشمش برای شفا بهره‌گیرد، فرمود: «برای کسی سزاوار نیست که از حرام، شفا طلب نماید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۱۴)؛ بنابراین، شراب چه بالذات حرام باشد و چه بالعرض، شفافبخش نیست. منافع نفسانی نیز ثابت نشده و لذا با توجه به ادله مطروحه، توجیه آیه بر مبنای منافع مالی، اقرب به صواب است.

مضرات خمر

حال در پنج بند برخی مضرات خمر؛ از جمله مضرات دینی - اخروی، بدنی، عقلی، مالی، و اجتماعی بررسی می‌شوند:

الف) دینی - اخروی: بر اساس آیه ۹۱ سوره مائده، خمر انسان را از ذکر خدا و نماز باز می‌دارد و فعل دال بر این اثر «یصد» است که مضارع است و بر استمرار و تدریج دلالت می‌کند. علاوه بر این پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی می‌فرمایند: «شارب الخمر کعابد الوثن» (پاینده، ۱۳۸۲، ج ۱۷۹۰: ۵۳۵) و لذا می‌توان گفت: شارب خمر عقابی نظیر عقاب

بت پرست دارد. ایشان در روایت دیگری چنین فردی را مورد لعن خداوند به حساب آورده‌اند (نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۳۹۸).

(ب) **بدنی**: برخی از آثار بدنی منفی استعمال خمر عبارتند از: افساد معده، مرض کبد و کلیه (نک: صدری، ۱۳۹۰: ۴۷ و ۵۳)؛ انقطاع نسل و کوتاهی عمر (نک: صدری، همان: ۱۳۷).

(ج) **عقلی**: خمر قوه عاقله را تضعیف و به جنون منتهی می‌کند (کیانی، ۱۳۹۱: ۳۶۴؛ صدری، ۱۳۹۰: ۲۹۷، ۴۰۳ و ۴۷۴).

(د) **مالی**: استعمال خمر با مرور زمان به عادت تبدیل می‌شود و فرد مجبور خواهد شد بخشی از سرمایه‌اش را برای تهیه آن تلف کند. علاوه بر این امروزه هزینه‌های هنگفتی صرف ترمیم مفسد شراب همچون افزایش بیماری‌های روحی، تصادفات رانندگی در اثر مستی، تنبلی و بی‌قیدی و بی‌کاری، تشکیلات دادگستری برای جنایات ناشی از خمر و ... می‌شود.

(ه) **اجتماعی**: افزایش فساد، آمار جنایات، سرقت و جرایم جنسی از آثار زیانبار اجتماعی مصرف خمر به حساب می‌آیند. علاوه بر این، مصرف خمر عزت و شرافت را از بین می‌برد و خفت و خواری را به دنبال می‌آورد و موجب وقوع عداوت می‌شود؛ نظیر داستان سعدبن ابی‌وقاص که در بیان شأن نزول آیه ۹۱ سوره مائده آمده است (نک: مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۵: ۶۹)!

۸. وجه الحاق شراب به قمار این است که هر دو منشأ منافع و نیز مضراتی همچون تباهی اموال و انواع بیماری‌های جسمی و جانی هستند. وجه دیگر الحاق این است که هر دو از اموری هستند که واقعاً مردم گرفتار آند و به همین دلیل است که فعل سئل به صورت

۱. برای اطلاعات بیشتر در باب فلسفه تحریم نوشابه‌های الکلی یا مضرات شرب خمر، رک: مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲: ۱۲۴.

مضارع (یسئلونک) آمده تا دلالت بر استمرار سؤال کند (نک: مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۲۳-۱۲۴). علاوه بر این در آیه مذکور از آنجایی که خطر شراب همچون خطر انصاب و ازلام است، در کنار هم قرار گرفته‌اند.

در کتاب احتجاج نقل شده است که زندیقی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسید: چرا خداوند شراب را حرام کرد، با اینکه لذتی بهتر از آن نیست؛ ایشان فرمودند: آن را برای این تحریم کرد که اصل پلیدی‌ها و رأس هر شری است، کسی که آن را بنوشد، ساعتی برایش پیش می‌آید که خرد از او رخت بر بسته و دیگر خدای خود را هم نشناسد و از ارتکاب هیچ گناهی روگردان نباشد (طباطبایی، بی‌تا، ج ۲: ۲۸۲). پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در حدیثی می‌فرماید: «جُمِعَ الشَّرُّ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ شُرْبَ الْخَمْرِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶: ۱۴۸).

۹. هر چند منظور از واژه «خمر» در عبارت «إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا» (یوسف: ۳۶) انگوری است که برای ساخت شراب فشرده می‌شود؛ در مورد توجیه این مطلب سه قول وجود دارد:

قول اول: احتمالی در ذهن نگارنده قاموس قرآن است به این مضمون که خمرام مفعول‌له باشد؛ یعنی برای شراب درست کردن می‌فشارم (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۹۹).
قول دوم: وجود قرینه به این نحو که «أَعْصِرُ خَمْرًا» به معنای «أَعْصِرُ عَنَبَ خَمْرٍ» باشد و عنب، مضافی محسوب شود که حذف و مضاف‌الیه جایگزینش شده باشد. طبرسی طرفدار این قول معرفی شده است (نک: همان، ج ۲: ۲۹۹).

قول سوم: خمر به اعتبار تبادر و «ما يؤول الیه» به معنای انگور باشد، چنانکه گفته می‌شود: «فَلَانُ يَطْبِخُ الْأَجْرَ يَعْنِي يَطْبِخُ اللَّبْنَ لِلْأَجْرِ». اکثر مفسران از جمله صاحب المیزان، ابن عرفه و ابن‌انباری قائل به این قول هستند (همچنین نک: بسام، ۱۴۲۷، ج ۲: ذیل آیه ۳۶ سوره یوسف؛ صاوی، ۱۴۳۴، ج ۲: ۲۷۴؛ محلی؛ سیوطی، بی‌تا: ۳۱۴؛ ماوردی، ۱۴۲۸، ج ۲: ۳۶ و ۴۶۸).

۱۰. در متن مقاله واژه سَکَر از لحاظ لغوی تعریف نشده است. سَکَر در لغت به معنای سد و بستن آمده و مستی را از آن نظر سَکَر گویند که به واسطه آن، راه عقل بسته می‌شود (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۵: ۱۵۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۳: ۳۹۴).

۱۱. در این قسمت، نخستین نقدی که باید بیان شود این است که از میان چهار آیه اشاره شده از سوره نحل، تنها آیه ۶۷ این سوره، با موضوع مطرح شده مرتبط است و لذا ذکر سه آیه دیگر بلاوجه خواهد بود؛ ثانیاً سؤال مهمی که مطرح می‌شود، این است که آیا منظور از سَکَر در آیه ۶۷ سوره نحل، مسکرات است یا رزق نیکو؟ نویسنده مقاله، پیرو دیدگاه اخیر است؛ به عبارت دیگر اعتقاد دارد که سَکَر و رزق حسن، ماهیت واحدی دارند و هر دو به معنای روزی نیکو هستند (همچنین نک: نظام‌الدین، بی‌تا، ج ۴: ۲۷۹). این در حالی است که آیه مذکور با قراردادن سَکَر در مقابل رزق حسن، بیانگر این است که منظور از سَکَر رزق نیکو نیست؛ بلکه سَکَر تنها به معنای مسکرات (ناپاک) و رزق حسن به معنای همه نوشیدنی‌ها و خوراکی‌های حلال از دو درخت خرما و انگور است (نک: طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۲: ۲۹۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۸: ۱۲۱؛ بغوی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۷۵؛ واحدی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۳۷۶).

۱۲. واژه رَحِیق در قرآن کریم تنها در آیه ۲۵ سوره مطففین به کار رفته است و منظور از آن شراب صاف و بدون غش است (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۴۶۱؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ۲۶). بر این اساس تعریف رَحِیق به عنوان ناب‌ترین و عالی‌ترین شراب‌های آسمانی توسط نویسنده مقاله صحیح و مطلوب است؛ ولی آیات ۴۵ سوره صافات و ۱۸ و ۱۹ سوره واقعه ارتباطی با معنای رَحِیق ندارند و نویسنده به اشتباه «کأسٍ مِنْ مَعینٍ» (جام آسمانی) را رَحِیق معنا کرده است.

۱۳. ماهیت مَعین (شراب بهستی) با شراب آلوده دنیوی کاملاً متفاوت است؛ زیرا علاوه بر اسکار تفاوت‌های دیگری میان این دو نوع شراب وجود دارد. خداوند متعال در آیات ۴۵-۴۷ سوره صافات می‌فرماید: «يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ لَا فِيهَا غَوْلٌ»

و لَا هُمْ يُنْزَفُونَ». با توجه به عبارت «لَذَّةٌ لِلشَّارِبِينَ» شراب بهشتی لذت خالص است؛ همچنین با عنایت به «لَا فِيهَا عَوْلٌ» در شراب بهشتی سردرد نیست؛ عبارت «و لَا هُمْ يُنْزَفُونَ» (به فتح زاء - به معنای عدم اسکار و ازاله عقل) نیز نشانگر طهور بودن شراب بهشتی است (نک: دهر: ۲۱). البته برخی مفسران «و لَا هُمْ يُنْزَفُونَ» را به کسر زاء تلفظ کرده و معنای عدم پایان‌پذیری را از آن اراده کرده‌اند (نک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۸: ۱۸۶؛ بغوی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۲۷؛ ماوردی، ۱۴۲۸، ج ۵: ۴۶).

۱۴. ممکن است اشکال شود که اگر اثم، لازمه ماهیت خمر و بنای احکام الهی نیز بر عقل مبتنی است؛ عدم تحریم مزیل عقل در سایر شرایع الهی چگونه توجیه می‌شود؟ علت این امر شاید از باب نقص سایر ادیان باشد که اسلام آن را کامل کرده است. امام باقر علیه السلام روایت کرده‌اند که: «خداوند هیچ پیامبری را نفرستاد مگر آنکه در علم خدا بود که اگر دین او کامل شود، خمر را در دین او تحریم کند...»؛ امام علیه السلام [در ادامه] فرمودند: «کسی ارفاق‌کننده‌تر از خدا نیست و از رفق خداست که این حکم و سایر احکام را یکدفعه بر مردم بار نمی‌کند تا به هلاکت بیفتند» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹: ۱۰۲). از [مجموع] آیات نیز به دست می‌آید که با وجود اینکه در اصل دین، خمر پیوسته حرام بوده، خداوند مردم را به تدریج آماده کرده است.

۱۵. در مورد بحث تساهل تدریجی قرآن در مورد تحریم شراب؛ چهار آیه در قرآن کریم مطرح است که از دو جنبه امکان بررسی دارند:

الف) ترتیب نزول

برخی قائلند که خمر ابتدا حلال بوده (نحل: ۶۶)، سپس خداوند آن را اثم (بقره: ۲۱۹) و بعد آن را حرام عند وقت الصلاة (نساء: ۴۳) و در نهایت مطلقاً آن را حرام کرده است (مائده: ۹۰-۹۱) (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۰۳؛ ملّاجیون الحنفی، ۲۰۱۰: ۱۰۳). ولی نظر اقرب به صواب این است که پس از آیه سوره نحل، ابتدا آیه سوره نساء و پس از آن آیه سوره بقره نازل شده است؛ زیرا اعتبار عقلی و سیاق آیه سوره نساء نمی‌پذیرد که بعد از آیه

سورة بقره و دو آیه سورة مائده- که به طور مطلق از میگساری نهی می کنند- نازل شده باشد و معنا ندارد که بعد از نهی مطلق از میگساری، دوباره نسبت به برخی موارد آن (در حالت نماز مسکر بودن) نهی شود؛ علاوه بر این، چنین ترتیبی با کاهش تساهل تدریجی منافات دارد، چرا که لازمه این کاهش، آن است که اول تکلیف آسان بیان شود و سپس به تکلیف سخت تر پردازند (نک: طباطبایی، بی تا، ج ۴: ۵۷۰؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۱۸۳).

ب) دلالت آیات

دلالة آیه ۶۷ سورة نحل: اگرچه رزق حسن در آیه مذکور قرینه‌ای بر مبعوض بودن خمر در آیه است، مراد از آیه، اخبار است نه احلال. به عبارت دیگر «آیه نحل فقط به اتخاذ شراب و مسئله تخمیر نظر دارد» (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۵: ۴۶۸) و بر خلاف آنچه که علمای اهل سنت گفته‌اند، لازم نیست در اینجا از نسخ حکم صحبت شود، چون که در آیه مذکور سخنی از مباح بودن نیامده است (نک: بغوی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۷۵؛ ج ۱: ۱۹۲؛ ماوردی، ۱۴۲۸، ج ۳: ۳۶؛ نظام‌الدین، بی تا، ج ۴: ۲۷۹؛ النحاس، ۱۴۰۹، ج ۴: ذیل آیه ۶۷ سورة نحل).

دلالة آیه ۴۳ سورة نساء: بعضی روایات مدلول آیه را نهی از نماز در حالت کسالت دانسته‌اند؛ اما نظر اصح نزد مفسران، نهی آیه از نماز در حال مستی است (نک: طباطبایی، بی تا، ج ۴: ۳۵۹؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۶۸). البته برخی بر این نظرنند که خمر همیشه حرام بوده است و این اخبار و اقوال را قبول نمی کنند (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۱۸۳).

دلالة آیه ۲۱۹ سورة بقره: دسته‌ای می گویند: این آیه محرم خمر نیست و این آیه قبل از تحریم خمر نازل شده است، زیرا آیه می رساند که درخمر، اثم یعنی ضرر هست و تحریم هر چیز مضری دلیل بر این نیست که اگر چیزی هم ضرر دارد و هم منفعت، آن هم حرام باشد (نک: واحدی، تفسیرالوجیز، ج ۱: ۱۶۵؛ شحاته، ۱۹۸۴، ج ۲: ۲۷۴). این دیدگاه مردود است به دلیل اینکه اولاً: اثم به صرف قرار گرفتن در مقابل منفعت افادۀ معنای ضرر

نمی‌کند؛ ثانیاً واژه اثم در سیزده آیه دیگری که به کار رفته، تنها به معنای گناه است؛ ثالثاً بر فرض اینکه معنای اثم و ملاک حرمت، ضرر باشد، آن ضرری که بر منفعت غالب باشد، موجب حرمت است که این موضوع صراحتاً با واژه «اکبر» در آیه دیده می‌شود؛ رابعاً حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مورد حرمت خمر برای مهدی عباسی به این آیه استناد کرده‌اند؛ خامساً بر مبنای آیه ۳۳ سوره اعراف، واژه «اثم» بر حرمت دلالت می‌کند. از آنچه گذشت مشخص می‌شود که آیه مذکور حکم حرمت خمر را بیان می‌کند (نک: طباطبایی، بی‌تا، ج ۲: ۲۷۴؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۰۳).

دلالت آیات ۹۰ و ۹۱ سوره مائده بر تحریم: در زمینه دلالت این دو آیه بر تحریم خمر چند شاهد و قرینه به چشم می‌خورد: الف) تصدیق جمله با ادات حصر (أتما): به این معنا که خمر، رجس و عمل شیطان است؛ ب) همراهی خمر با عبارات اصنام؛ ج) قول پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمودند «شارب الخمر کعابد الوثن» (پاینده، ۱۳۸۲، ح ۱۷۹۰: ۵۳۵)؛ د) عبارت «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ عَنِ الْاَوْثَانِ» در آیه ۳۰ سوره حج که دلالت آیه بر تحریم شراب را تقویت می‌کند؛ ه) عبارت «فَهَلْ اَنْتُمْ مُنْتَهَوْنَ» که سیاق کلام را استفهامی کرده و مثل این است که بگوید: برای شما به حد کافی در باب منع گفته شده است، پس آیا شما را باز نداشت؛ و) ظاهر عبارت «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و احذروا» در آیه ۹۳ که منظور از آن، اطاعت در آنچه امر به اجتناب و حذر از مخالفت در باب آن شده، می‌باشد» (نک: واحدی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۱۴؛ نظام‌الدین، بی‌تا، ج ۳: ۱۲).

۱۶. زهری روایت می‌کند که علی علیه السلام گفت: شتر پیری داشتم از غنایم بدر و پیغمبر صلی الله علیه و آله نیز شتری به من بخشیده بود، و هر دو را بر در حجره یکی از انصار بسته بودم. بازگشتم و دیدم هر دو شتر شقه شده‌اند. چشمانم بی‌اختیار پر اشک شد، پرسیدم چه کسی این کار را کرده است؟ گفتند: حمزه که در منزل یکی از انصار با یاران شراب می‌خورد. علی علیه السلام گوید: نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله رفتم و زید بن حارثه نیز آنجا بود و ماجرا را باز گفته بود. پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود یا علی در چه حالی؟ گفتم یا رسول الله صلی الله علیه و آله هرگز بر چنین حالتی نبوده‌ام.

حمزه دو شتر مرا کشته و پیه و ران برگرفته و با میگساران به باده‌خواری نشست. پیغمبر ﷺ ردا برگرفت و به راه افتاد و من نیز به دنبال حضرت بودم تا به خانه‌ای رسید که حمزه در آن بود. اجازه ورود خواست، گفتند: بفرمایید. درون رفتیم و آنها مشغول شراب خوردن بودند. پیغمبر ﷺ بنا کرد به ملامت حمزه، و حمزه سخت مست بود با چشمان سرخ شده، نگاهی به پیغمبر ﷺ انداخت و سپس در صورت حضرت خیره شد و گفت: مگر شما همه بندگان پدر من نیستید؟ پیغمبر ﷺ دانست که وی سخت مست است، برگشت و همه بیرون آمدیم و این داستان از علل تحریم خمر به حساب آمده است (نک: البخاری، ۱۳۱۴، ج ۵: ۸۳- باب قصه غزوه بدر).

این داستان در کتاب‌های تفسیری شیعی پذیرفته نشده؛ چرا که زهری با جعل چنین داستانی، در صدد تخریب شخصیت عظیم حمزه سیدالشهداء- که بر اساس نامه ۲۸ نهج البلاغه، پیامبر اسلام ﷺ بر پیکر خونین او در میدان جنگ احد با هفتاد تکبیر نماز خواند- برآمده است تا از این طریق ایشان را فردی آلوده معرفی و برای اربابان اموی خود شریک جرم درست کند (نک: ذکاوتی، ۱۳۸۳: ۱۰۹).

۱۷. از نظر فقه تشیع ملاک حرمت، جنس (اثر) است؛ یعنی آنچه غالباً اسکار می‌آورد، حرام است (نک: شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹: ۱۹۷؛ محقق حلی، ۱۳۸۹: ۱۶۸) چنانکه پیامبر اکرم ﷺ در روایتی می‌فرمایند: «کل مسکر حرام اوله و آخره» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷: ۶۴-۶۵) و اجماع نیز بر آن است که همه مسکرات، حرام هستند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۱۸۷).

۱۸. مؤلف از واژه نوشیدن (intake) برای نشان دادن فعل منهی‌عنه استفاده کرده است. در حالی که آنچه موضوع تحریم است، منحصر در نوشیدن نیست و باید از واژه تناول استفاده شود که دارای معنایی اعم از شرب و اصطباغ است (محقق حلی، ۱۳۸۹: ۱۶۸؛ همو، ۱۳۶۲: ۳۶۰؛ علامه حلی، ۱۳۶۷: ۷۴۳).

۱۹. اجماع فقهای شیعه و سنی بر این است که مصرف شراب انگور به هر میزان - خواه زیاد باشد یا کم - حرام است (قرطبی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۶). در مورد سایر مسکرات نیز فقهای تشیع بر خلاف علمای اهل سنت، تناول هر میزان از آنها را به طور مطلق، ممنوع و موجب حد می‌دانند (نک: محقق حلی، ۱۳۶۲: ۳۲۸ و ۳۶۰؛ امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۲۵۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹: ۱۹۷؛ مفید، ۱۴۱۳: ۷۹۹). یکی از ادله این حکم روایت امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که می‌فرمایند: «ما اسکر کثیره فقلیله حرام» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۰۸). در ماده ۱۶۵ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۷ آمده است: «خوردن مسکر موجب حد است اعم از آنکه کم باشد یا زیاد باشد». البته حرمت مسکر، در خوردن منحصر نیست، پس این نقص در ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ به این نحو برطرف شده است که: «مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن، کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط، به گونه‌ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند، موجب حد است». در تبصره این ماده، خوردن فقع (آب جو مسکر) حتی اگر مستی نیاورد، موجب حد دانسته شده است.
۲۰. در روایتی که جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده است، ده نفر در رابطه با شراب لعن شده‌اند که عبارتند از: کشت‌کننده، نگهبان، کسی که آن را فشرده، مصرف‌کننده، ساقی، حامل، دریافت‌کننده، فروشنده، مشتری و کسی که از بهای شراب استفاده می‌کند (نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۳۹۸). باید توجه داشت که استعمال مشروبات، دارای مجازاتی حدی است؛ اما بر سایر جرایم درباره شراب، مجازات تعزیری جاری می‌شود که متأسفانه مؤلف مقاله از این نکته غافل بوده و مجازات همه این جرایم را حدی به حساب آورده است.
۲۱. می‌در معنای عرفانی عبارتست از غلبات عشق با وجود اعمالی که مقارن ملامت باشد که مختص اهل کمال و سلوک است (اردستانی، بی تا: ۲۸۴).

نتیجه گیری

در مقام نتیجه گیری، باید گفت که خلط و ابهام در مبانی و مفاهیم متعددی همچون ماهیت و مصادیق خمر (مسکرات)، اختصار و عدم تبیین مطالب؛ نظیر انحصار معنای واژه قرآنی «اتم» به گناه و عدم ذکر معنای لغوی واژه سکر، غیراستدلالی بودن مطالب، استناد بلاوجه به آیات ۶۶، ۶۸ و ۶۹ سوره نحل، ۴۵ سوره صافات، و ۱۸ و ۱۹ سوره واقعه، وجود مطالب نادرست؛ نظیر تفسیر اشتباه مفهوم سکر در آیه ۶۷ سوره نحل و عدم استفاده از منابع متنوع شیعی به علت عدم دسترسی یا تعمد، از جمله نقدهایی است که به مقالة «شراب» و دیدگاه‌های آن وارد است.

منابع

الف) منابع مقاله

منابع اصلی:

1. Ibn Qutayba, Abu Muhammad Abdaallah b. Muslim al-Dinawari (1998), Ashiriba, ed. Y. M. al-sawwas, Beirut; Razi, Tafsir; Tabari, Tafsir, ed. Shakir.
۲. ابن قطیبه، ابو محمد عبد الله بن مسلم الدیناوری (۱۹۹۸)، اشربه، ویرایش وای. ام. الساواز، بیروت، تفسیر رازی؛ تفسیر طبری، ویرایش شکیر.

منابع فرعی:

3. A. J. Arberry, The Mystical Poems of Ibn al-Farid, Dublin 1956; Goldziher, MS; R. S. Hatotox, Coffee and Coffeehouses, Seattle 1985; P. Heine, Nabidh, in EI, vii, 840; K. M. kueny, The Rhetoric of Sobriety: Wine in Early Islam, Albany 2001; J. D. McAuliffe, The Wines of Earth and Paradise: Quranic Proscriptions and Promises, in R. M. Savory and D. A. Agius (eds.), Logos Islamikos: Studia Islamica in Honorem Gichaelis Wickens, Toronto 1984, 159-74; F. Rosenthal, Gambling in Islam, Leiden 1975; A. J. Wensinck and J. Sadan, khamr, in EI, iv, 994-7 .
۴. ای. جی. آربری، اشعار عارفانه ابن فرید، دوبلین، ۱۹۵۶م؛ گلدزیهر، ام. اس؛ آر. اس. هاتوکس، قهوه و قهوه خانه، سیتل، ۱۹۸۵؛ پی. هین، نبید، در دایره‌المعارف اسلام، ویرایش دوم، ج ۷، ص ۸۴۰؛ کی. ام. کوآنی، تبیینی واضح از: شراب در اوائل اسلام، آلبانی، ۲۰۰۱ م؛ جی. دی. مک‌اولیف، شراب‌های زمینی و بهشتی. بهره‌مندی‌ها و وعده‌های قرآنی، در آر. ام. ساوری و دی. ای. آگیوس (ویراستاران)، کتاب « Logos islamikos. Studia islamica in honorem Gichaelis Wickens », تورنتو، ۱۹۸۴: ۱۵۹-۱۷۴؛ اف. روستال، قمار در اسلام، لیدن: ۱۹۷۵ م؛ ای. جی. ونسینک و جی سادان، خمر، در دایره‌المعارف اسلام، ویرایش دوم، ج ۴: ۹۹۴-۹۹۷.

ب) منابع ناقدان و شارحان:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۷ ش و ۱۳۹۲ ش.
۴. آبی، حسن بن ابی طالب (۱۴۱۷ ق)، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ سوم.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، دار صادر، بیروت، چاپ سوم.
۶. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، محقق: عبدالرزاق مهدی، دار الکتب العربی، بیروت، چاپ اول.
۷. ابوالفتوح رازی، جمال الدین حسن بن علی (۱۴۰۸ ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مصحح: محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، [بی‌جا].
۸. اردستانی، پیر، کشف الارواح - تفسیر عرفانی سوره یوسف عَلَيْهِ السَّلَام، محقق: طاهر خوشحال دستجردی، نشر کنکاش، [بی‌نا]، [بی‌تا]، چاپ اول.
۹. اسلامی پناه، مهدی (۱۳۸۱)، تفسیر ادبی قرآن - سوره فاتحه و بقره، سرور، قم، چاپ اول.
۱۰. اصم، ابوبکر؛ اصفهانی، ابومسل (۲۰۰۷)، تفسیر ابی بکر الأصم، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول.
۱۱. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، محقق: علی عبدالباری عطیه، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول.
۱۲. امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام، علی بن موسی عَلَيْهِ السَّلَام (۱۴۰۶ ق)، فقه الرضا، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، مشهد، چاپ اول.
۱۳. البخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۱۴ ق)، صحیح البخاری، مکتبه عبدالحمید احمد حنفی، قاهره، [بی‌جا].
۱۴. بسام بن عبد (۱۴۲۷ ق - ۲۰۰۶ م)، مختصر تفسیر القرطبی للإمام ابی عبد... محمد بن احمد بن الأندلسی القرطبی، دار ابن کثیر، دمشق - بیروت، چاپ اول.

۱۵. البغوی الشافعی، أبی محمد الحسین (۱۴۰۷ ق - ۱۹۸۷ م)، *تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل*، دار المعرفة، بیروت، چاپ دوم.
۱۶. پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحة - مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ*، دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲ ش، چاپ چهارم.
۱۷. حکمت، ناصر علی عبدا... (۱۳۸۷)، *المعجم البسيط*، دار الفکر، قم، چاپ اول.
۱۸. حلّی، ابن ادريس محمد بن منصور (۱۴۱۰ ق)، *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم.
۱۹. حلّی، مقداد بن عبدا... (۱۴۲۵ ق)، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، مرتضوی، قم، چاپ اول.
۲۰. حلّی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ ق)، *الجامع للشرائع*، مؤسسه سید الشهداء العلمیه، قم، چاپ اول.
۲۱. ذکاوتی، علیرضا (۱۳۸۳)، *ترجمه اسباب النزول*، نشر نی، تهران، چاپ اول.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، دار العلم، بیروت؛ الذار الشامیه، دمشق، چاپ اول.
۲۳. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، دار الکتب العربی، بیروت، چاپ سوم.
۲۴. سعدی، ابوجیب (۱۴۰۸ ق)، *القاموس الفقهی لغه و اصطلاحاً*، دار الفکر، دمشق - سوریه، چاپ دوم.
۲۵. سیوطی، جلال الدین (۱۳۶۵ ق)، *در المنثور*، دار المعرفة؛ مطبع الفتح، جده، چاپ اول.
۲۳. ۲۶. شبر، عبدا... (۱۴۱۲ ق)، *تفسیر شبر*، دار البلاغه للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، چاپ اول.
۲۷. شحاته، محمود (۱۹۸۴ م)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، هیئة المصریة العامه لکتاب، مصر، [بی‌جا].
۲۸. صاوی، احمد بن محمد (۱۴۳۴ ق)، *حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین*، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ ششم.
۲۹. صدری، علیرضا (۱۳۹۰)، *دایره‌المعارف درمان طبیعی بیماری‌ها*، ترنج رایانه، بی‌جا، چاپ اول.

۳۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۵ ق)، المقنع، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، چاپ اول.
۳۱. طباطبایی، محمد حسین (بی تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم.
۳۲. طبرسی (امین الاسلام)، فضل بن حسن (۱۳۷۷)، تفسیر جوامع الجامع، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، تهران، چاپ اول.
۳۳. _____ (۱۴۱۰ ق)، المؤلف من المختلف بین ائمه السلف، مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد، چاپ اول.
۳۴. _____ (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم.
۳۵. طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵ش/۱۴۱۶ ق)، مجمع البحرین، محقق: سید احمد حسینی، کتابفروشی مرتضوی، تهران، چاپ سوم.
۳۶. طبری، محمد بن جعفر (۱۴۱۲ ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت، چاپ اول.
۳۷. طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ق)، تهذیب الاحکام (تحقیق خراسان)، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم.
۳۸. _____ (۱۴۰۷ ق)، الخلاف، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.
۳۹. _____ (۱۳۸۷ ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، محقق/ مصحح: سید محمد تقی کشفی، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران، چاپ سوم.
۴۰. طهوری، سید هادی (۱۳۸۹)، دایره المعارف گیاهان داروئی، پدیده دانش، بی جا، چاپ اول.
۴۱. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ ق)، الرّوضه البهیة فی شرح اللّمعۃ الدمشقیة (المحسّنی - کلانتر)، کتابفروشی داوری، قم، چاپ اول.

۴۲. عاملی (أبی جامع)، علی بن حسین (۱۴۱۳ ق)، *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز*، دار القرآن الکریم، قم، چاپ اول.
۴۳. عبد الحق، محمد (۱۴۳۳ ق - ۲۰۱۲ م)، *الاکلیل علی مدارک التنزیل و حقائق التأویل للإمام التفسی، دار الکتب العلمیة، لبنان، چاپ اول.*
۴۴. علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۶۷)، *تبصره المتعلمین فی احکام الدین*، به انضمام فقه فارسی به قلم ابوالحسن شعرانی، کتابفروشی اسلامیة، تهران، چاپ اول.
۴۵. _____ (۱۴۲۰ ق)، *تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة (ط - الحدیث)*، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، قم، چاپ اول.
۴۶. _____ (۱۴۱۴ ق)، *تذکره الفقها (ط - الحدیث)*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول.
۴۷. _____ (۱۴۱۲ ق)، *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب (ط - الحدیث)*، مجمع البحوث الاسلامیة، مشهد، چاپ اول.
۴۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق)، *کتاب العین*، هجرت، قم، چاپ دوم.
۴۹. فولادوند، محمد مهدی (۱۴۱۵ ق)، *ترجمه قرآن*، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، تهران، چاپ اول.
۵۰. قرائتی، محسن (۱۳۷۶)، *تفسیر نور*، مؤسسه‌ی در راه حق، [بی جا]، چاپ پنجم.
۵۱. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷)، *تفسیر أحسن الحدیث*، بنیاد بعثت، تهران، چاپ سوم.
۵۲. _____ (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ ششم.
۵۳. قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳ ق - ۱۹۹۳ م)، *الجامع لأحكام القرآن*، دار الکتب العلمیة، بیروت - لبنان، [بی جا].
۵۴. قرنی، عائض (۱۴۳۱ ق - ۲۰۱۰ م)، *التفسیر المیسر، العبیکان*، [بی جا]، چاپ چهارم.
۵۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، *الکافی (ط - اسلامیة)*، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الاسلامیة، تهران، چاپ چهارم.
۵۶. کیانی، کاظم (۱۳۸۲)، *سر الشفاء*، زر قلم، بی جا، چاپ سوم.
۵۷. _____ (۱۳۹۱)، *طب النجاء*، زر قلم، بی جا، چاپ هفتم.

۵۸. ماوردی، النکت و العیون (۱۴۲۸ ق- ۲۰۰۷ م)، دار الکتب العلمیة، بیروت- لبنان، چاپ دوم.
۵۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم.
۶۰. _____ [بی تا]، حدود و قصاص و دیات، مؤسسه نشر آثار اسلامی، تهران، چاپ اول.
۶۱. _____ (۱۴۰۶ ق)، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الأخبار، انتشارات کتابخانه آیه... مرعشی نجفی، قم، چاپ اول.
۶۲. محقق حلّی، ابوالقاسم نجم الدین (۱۳۸۹ ق- ۱۹۶۹ م)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، الآداب، نجف، چاپ اول.
۶۳. _____ (۱۳۶۲)، المختصر النافع فی فقه الإمامیة، به اهتمام محمد تقی دانش‌پژوه، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، [بی جا]، [بی جا].
۶۴. محلی، جلال الدین؛ سیوطی، جلال الدین [بی تا]، تفسیر جلالین، با تعلیقات خالد الحمصی الجوجا، مکتبه الملاح، دمشق، [بی جا].
۶۵. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی (۲۰۰۶ م)، دار الکتب العلمیة، بیروت- لبنان، چاپ دوم.
۶۶. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مرکز الکتب لترجمه و النشر، تهران، چاپ اول.
۶۷. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق)، المقنعة، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، چاپ اول.
۶۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیة، تهران، چاپ اول.
۶۹. ملّاجیون الحنفی، احمد بن ابی سعید (۲۰۱۰ م)، التفسیرات الأحمديّة فی بیان الآیات الشرعیة، دار الکتب العلمیة، لبنان، چاپ اول.
۷۰. ملاحویش آل غازی، عبد القادر (۱۳۸۲ ق)، بیان المعانی، مطبعة الترقی، دمشق، چاپ اول.
۷۱. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۴)، فقه تطبیقی- بخش جزایی، انتشارات سمت، تهران، [بی جا].

